



سخنرانی دکتر محمود اولاد
در نشست تخصصی آمایش سرزمین

بازار ل بازار

بولتن تحلیلی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
شماره ششم - تیر ماه ۱۴۰۲

آمایش سرزمین

حرکتی ماندگار در مسیر توسعه پایدار



احمد تشکینی
منطقه بندی استانی و شهرستانی در آمایش



الهام پیروز
پیامدهای مثبت آمایش



مصطفی محمدی
ضرورت های آمایش



سمیه نعمت الهی
سرمایه گذاری با رویکرد آمایش



میثم بشیری
مفهوم و اهداف آمایش



مجید جلیلی
استان همدان با ملاحظات آمایشی



موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی
روابط عمومی و امور بین الملل
۶۶۹۲۷۲۳۶ - ۶۶۹۲۷۲۳۶
WWW.ITSR.IR





لزوم توجه به منطقه بندی استانی و شهرستانی در آمایش صنعتی، معدنی و تجاری



احمد تشکینی (دانشیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

توجه به آمایش سرزمین مانع از بروز سه چالش تعارض، عدم توازن و عدم تعادل خواهد شد. تعارض به مفهوم عدم سازگاری در استقرار (استقرار نادرست جمعیت و فعالیت در پهنه) است؛ به عنوان نمونه پهنه ای از سرزمین مستعد کشاورزی است اما بسمت صنعت حرکت شده است یا بالعکس. عدم توازن به مفهوم؛ هموزنی بخش های مختلف و مناطق مختلف سرزمین متناسب با شاخص هایی مانند مساحت و جمعیت (نحوه پراکنش و بارگذاری فعالیتها و نیروی انسانی و جمعیت در مناطقی مشخص) است؛ به عنوان نمونه عدم توازن فعالیت و خدمات پشتیبان صنایع در یک منطقه. عدم تعادل به مفهوم شدت استفاده یا میزان بهره برداری و یا انجام فعالیت در عرصه سرزمین است بگونه ای که تداوم آن موجب ناپایداری نامطلوب در زیست بوم می شود (بهره برداری بیش از اندازه یا رهاشدگی). جدول (۱) حاکی از عدم تعادل بین استانهاست؛ چون در دوره ۵ ساله جمعیت برخی استانها مانند سمنان، البرز و ... افزایش و برخی دیگر مانند لرستان، چهارمحال و بختیاری و ... کاهش یافته است.

جدول (۱): میزان مهاجرپذیری و مهاجرفرستی برخی استانهای طی دوره ۱۳۹۰-۹۵ (هزار نفر)

استان	مهاجرپذیر	مهاجر فرست
استان	افزایش جمعیت	کاهش جمعیت
سمنان	۹۱۹	۷۳۰-
البرز	۸۱۴	۴۶۲-
یزد	۶۶۴	۳۹۶-
قم	۳۶۴	۳۷۱-
تهران	۳۶۱	۳۵۸-
هرمزگان	۲۱۵	۳۵۴-

حدود ۵۷ درصد شهرستان های کشور در مناطق یک و دو (محروم و کمتربرخوردار) و ۱۶ درصد در منطقه چهار (برخوردار) به لحاظ صنعتی، معدنی و تجاری قرار دارند که نیاز است سیاست های سرمایه گذاری متناسب با این مناطق در نظر گرفته شود.

جدول (۲): منطقه بندی شهرستان ها بر اساس سطح توسعه یافتگی صنعتی، معدنی و تجاری

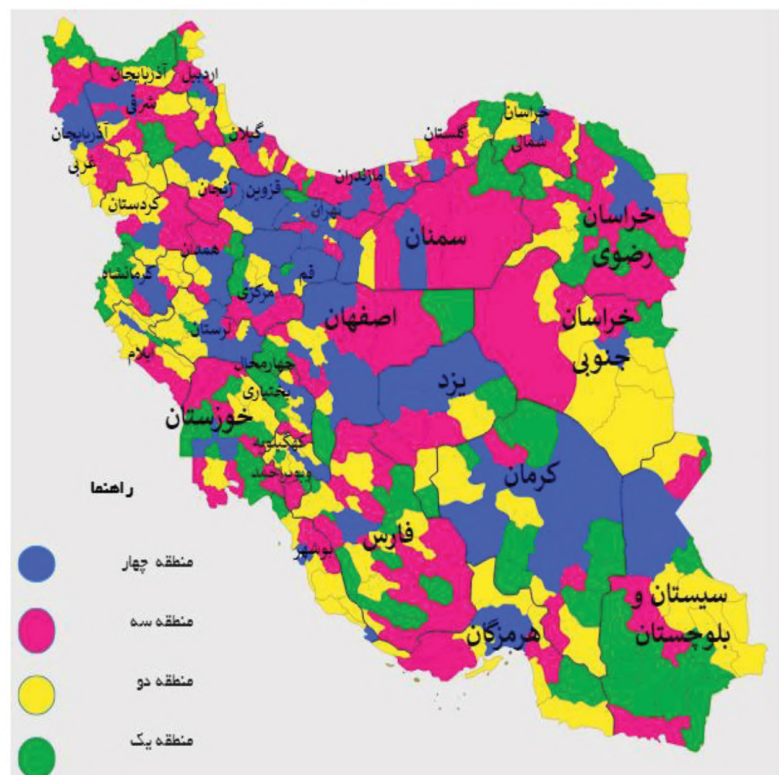
منطقه	ویژگی	مشخصات	سیاست اشتغال	سیاست اجرایی	تعداد شهرستانها
۱	محروم	۱- سطح پایین توسعه صنعتی، معدنی و تجاری ۲- فاقد زیرساخت های لازم و عدم کفایت طرح های نیمه تمام برای ایجاد اشتغال مطلوب	توسعه اشتغال با اولویت فوری	تعریف و اجرای فوری طرح های زیرساختی، تعریف طرح های ایجاد و توانمندسازی مهارت نیروی کار	۱۱۷
۲	کمتر برخوردار	۱- سطح پایین توسعه صنعتی، معدنی و تجاری ۲- فاقد زیرساخت های لازم و عدم کفایت طرح های نیمه تمام برای ایجاد اشتغال مطلوب	توسعه اشتغال	تکمیل طرح های نیمه تمام، احیای واحدهای راکد و در صورت نیاز تعریف طرح های توسعه ای و ایجاد	۱۴۵
۳	عادی	مناسب بلحاظ سطح توسعه یافتگی و اشتغال صنعتی	حفظ و بهبود وضعیت اشتغال موجود	افزایش ظرفیت و احیای واحدهای راکد	۱۲۷
۴	برخوردار	توسعه بیش از ظرفیت صنعتی	افزایش عمق بازار کار (ایجاد اشتغال پایدار)	توسعه خدمات پشتیبان تولید و تجارت	۷۳

نکات کلیدی:

۱. تلاش در جهت رفع چالش های سه گانه تعارض، عدم توازن و عدم تعادل نیازمند تطبیق سیاست صنعتی و برنامه آمایش سرزمین می باشد؛ شایان ذکر است نظام برنامه ریزی کشور عمدتاً دارای ماهیت بخشی و تمرکزگرا است و در سرمایه گذاری بر روی نواحی کمتر توسعه یافته به پتانسیل های آمایشی مناطق توجه کمی می شود.
۲. حدود ۵۷ درصد شهرستان های کشور در مناطق یک و دو (محروم و کمتر برخوردار) و ۱۶ درصد در منطقه چهار (برخوردار) به لحاظ صنعتی، معدنی و تجاری قرار دارند که نیاز است سیاست های سرمایه گذاری متناسب با این مناطق در نظر گرفته شود.
۳. توسعه مناطق یک و دو (محروم و کمتر برخوردار) نیازمند مشوق های خاص و ویژه جهت ایجاد انگیزه برای سرمایه گذاری است در این راستا نیاز است چارچوب یکپارچه توسعه سرمایه گذاری با مشوق های مشخص از سازمانهای توسعه ای (ایدرو و ایمیدرو) و سازمان صنایع کوچک و شهرکهای صنعتی تدوین شود.
۴. برای جلوگیری از گسترش چالش های زیست محیطی (شامل آلودگی هوا، تغییرات آب و هوا، آلودگی آب، آلودگی حرارتی و دفع زباله های جامد) و ... در منطقه چهار نیز لازم است سیاستهای بازدارنده توسعه صنعتی ملحوظ شود.

براین اساس شهرستان های کشور با توجه به سطح توسعه یافتگی صنعتی، معدنی و تجاری به چهار منطقه تقسیم بندی شده اند. برای این امر ۱۲ شاخص شامل اشتغال بخش صنعت، معدن و تجارت شهرستان (نفر)، تعداد بنگاه صنعتی و معدنی شهرستان، سهم اشتغال صنعتی و معدنی شهرستان از کل استان (درصد)، سهم تعداد بنگاه صنعتی و معدنی شهرستان از کل استان (درصد)، تعداد بنگاه های راکد صنعتی و معدنی، تعداد بنگاه فعال با کمتر از ۵۰ درصد ظرفیت، تعداد طرح نیمه تمام بالای ۵۰ درصد پیشرفت، اشتغال طرح های نیمه تمام صنعت، تعداد کل (شامل نیمه تمام، راکد، زیرظرفیت، زیرساختی و ایجاد)، هدف گذاری اشتغال بخش صمت طی دوره ۱۴۰۱-۴ برای خروج از محرومیت، همجواری با کلان شهرها و شهرستان های مرزی و حاشیه ای و انطباق با تصویب نامه سال ۱۳۹۹ هیات وزیران (درخصوص تعیین شهرستان های غیربرخوردار) مدنظر قرار گرفته است.

نمودار (۱): منطقه بندی شهرستان ها بر اساس سطح توسعه یافتگی صنعتی، معدنی و تجاری





مفهوم و اهداف آمایش صنعتی، معدنی و تجاری



میشم بشیری (عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

به عنوان مثال بعضی استانها مثل تهران، البرز، سمنان، یزد، قم، اصفهان، بوشهر، هرمزگان، گیلان، مازندران و خراسان رضوی بسیار مهاجرپذیرند. در مقابل استان هایی مثل چهارمحال و بختیاری، آذربایجان شرقی، خوزستان، لرستان، همدان، کرمانشاه، اردبیل، کردستان، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان شمالی و سیستان و بلوچستان مهاجر فرست بوده اند. براین اساس توزیع جغرافیایی جمعیتی نامتوازن و نامتوازن مشاهده می شود که این تحرک و جابجایی جمعیت منجر به بروز مشکلات بسیاری شده است. لذا رفع این مشکلات نیازمند توجه جدی به موضوع آمایش سرزمین در پهنه سرزمینی کشور می باشد. به عنوان نمونه، طی دوره ۹۵-۱۳۹۰ به استانهای سمنان ۹۱۹، البرز ۸۱۴، یزد ۶۶۴، قم ۳۶۴، تهران ۲۶۱ و هرمزگان ۲۱۵ هزار نفر مهاجر جدید اضافه شده و از استانهای لرستان ۷۳۰، چهارمحال و بختیاری ۴۶۲، ایلام ۳۹۶، همدان ۳۷۱، کرمانشاه ۳۵۸ و خوزستان ۳۵۴ هزار نفر مهاجرت کرده اند.

بطور عام آمایش سرزمین تنظیم رابطه بین انسان، فضا و فعالیت تعریف شده است؛ آمایش سرزمین تلفیقی از نظام اسکان جمعیت با ساختار فضایی فعالیتهای اقتصادی اجتماعی با در نظر گرفتن ملاحظات و معیارهای اجتماعی فرهنگی براساس نظریات توسعه ملی است. آمایش دارای چهار ویژگی اساسی است: اول جامع نگری (جامعیت برنامه های اساسی توسعه)، دوم کل گرایی، سوم دورنگری و چهارم برنامه ریزی جغرافیایی و فضایی. براین اساس می توان وظایف و شمول آمایش سرزمین را شامل مرجعی برای تنظیم دیدگاه درازمدت توسعه، ارایه استراتژی های توسعه اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، فضایی محیطی، مکانیابی برای فعالیتهای مشخص، فعالیت یابی برای مکان های مشخص، ارایه استراتژی کلی توزیع جمعیت و فعالیت در سرزمین، ارایه الگوی توسعه فضایی الگوی اسکان جمعیت، ارایه نظام مدیریت سرزمین و حفاظت از محیط زیست برشمرد.

اهداف اصلی که آمایش سرزمین دنبال می کند نیز شامل توزیع بهتر و هماهنگ فعالیتهای در فضاها و تناسب با ویژگیها و شرایط محیطی؛ استقرار مستمر جمعیت در حد تناسب خود در پهنه سرزمینی؛ جلوگیری از جابجایی و تمرکز نامناسب جمعیت ها؛ بکارگیری تدابیر لازم در تثبیت جغرافیایی جمعیت های مهاجر؛ کاهش تباین و اختلاف محیطی و اصلاح و بهسازی و بازسازی مکانهای نامطلوب است.

یکی از معضلات فعلی اقتصاد ایران رشد محدود سرمایه گذاری و حتی منفی آن طی دهه ۹۰ است که مخاطرات فراوانی بلحاظ رویکردهای رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال به همراه خواهد داشت. براین اساس شناسایی ظرفیت های سرمایه گذاری به تفکیک شهرستانهای کشور برای سرمایه گذاری هدفمند بسیار حایز اهمیت است. همانطور که مستحضرید آمایش سرزمین به مفهوم بهره برداری بهینه از امکانات در راستای بهبود وضعیت مادی و معنوی در قلمرو جغرافیایی خاص است.

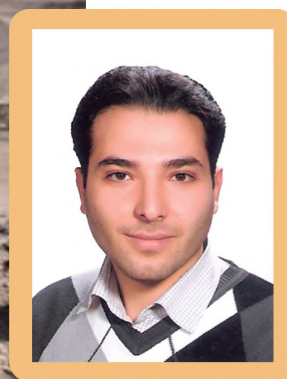
در این طرح مزیت های فضای طبیعی، اجتماعی و اقتصادی، ساماندهی و نظام بخشی می شود. این کار با هدف ایجاد رابطه منطقی بین توزیع جمعیت و انجام فعالیتهای در پهنه سرزمین با توجه به ویژگیهای فضایی مناطق است. به بیان دیگر آمایش را می توان بهترین نوع توزیع جغرافیایی فعالیتهای اقتصادی با توجه به منابع طبیعی و انسانی دانست. در یک توزیع اولیه جغرافیایی (یا به اصطلاح در یک سازماندهی فضایی) دو نکته عمده وجود دارد: اول توزیع جمعیت و دوم مفهوم «بهترین» با توجه به هزینه و فایده اجتماعی و در نظر گرفتن نظرات و تحلیلهای مربوطه؛ بنابراین منظور از آمایش سرزمین رسیدن به بهترین توزیع جمعیت و فعالیت است.

بطور عام آمایش سرزمین تنظیم رابطه بین انسان، فضا و فعالیت تعریف شده است؛ آمایش سرزمین تلفیقی از نظام اسکان جمعیت با ساختار فضایی فعالیتهای اقتصادی اجتماعی با در نظر گرفتن ملاحظات و معیارهای اجتماعی فرهنگی براساس نظریات توسعه ملی است.





ضرورت های آمایش صنعتی، معدنی و تجاری



مصطفی محمدی (عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

در مجموع ضرورت های آمایش شرح زیر قابل خلاصه شدن است:

- ✱ شناخت سرزمین و حداکثر استفاده از تواناییهای بالقوه مناطق در خصوص منابع طبیعی و انسانی جهت تحقق اهداف ملی؛
- ✱ توزیع بهتر جمعیت برای بهره مندی از منابع طبیعی و فعالیتهای اقتصادی؛
- ✱ تقسیم وظایف تخصصی و تعیین نقش و مسئولیت خاص هر یک از مناطق کشور در جهت تحقق اهداف توسعه ای ملی و منطقه ای و در نتیجه، جلب مشارکت کلی مناطق مختلف برای تحقق اهداف کلان؛
- ✱ متخصص کردن مناطق در بعضی از فعالیتهای صنایع و شکل دادن به مجموعه ای از مناطق دارای کارکردهای مکمل در جهت تامین اهداف کلی کشور؛
- ✱ تنظیم استراتژی بلندمدت توسعه ملی از ابعاد مختلف، بویژه استراتژیهای توزیع فضایی جمعیت و فعالیت در گستره سرزمین؛
- ✱ برقراری هماهنگی در برنامه ریزی های توسعه منطقه ای؛
- ✱ برقراری هماهنگی بلندمدت در برنامه های میان مدت بخشی، ایجاد امکان برای تنظیم برنامه های بخشی منطقه ای و ایجاد پیوستگی و ارتباط منطقی میان طرح های عمرانی؛

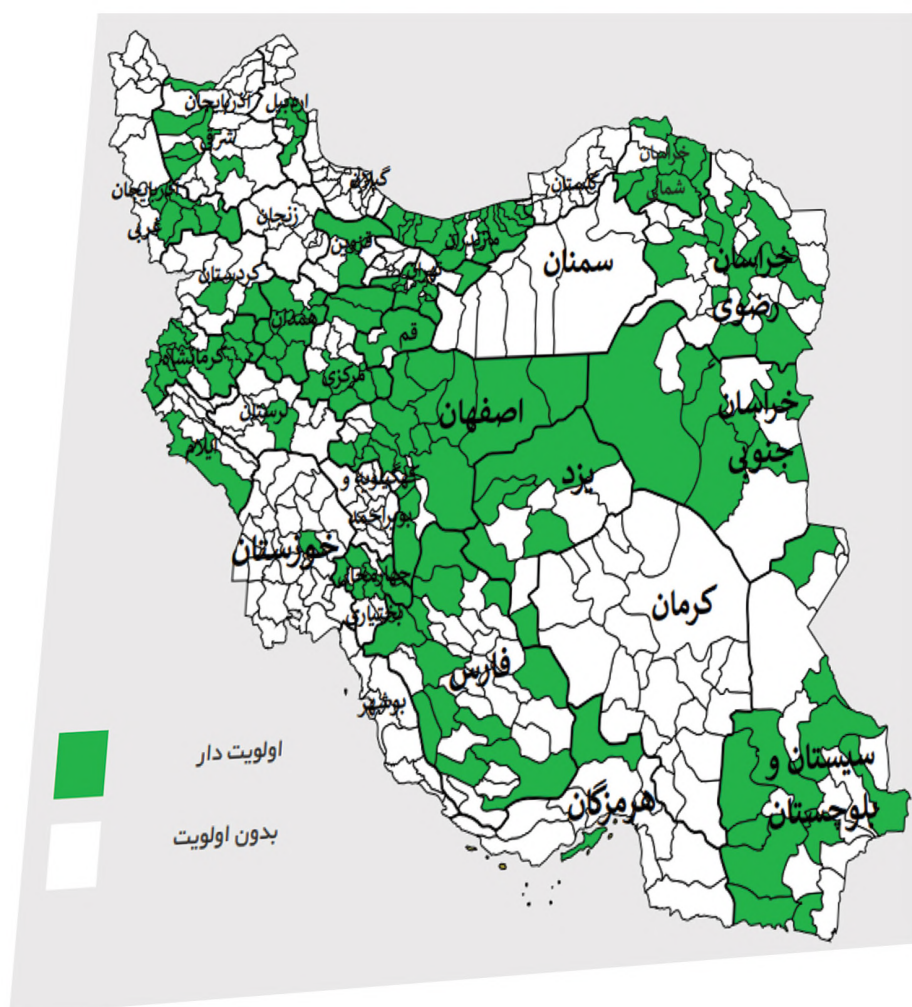
اکنون با گذشت ۶ برنامه توسعه پس از انقلاب که نگاهی بخشی به توسعه داشته اند، نیاز به برنامه ریزی فضایی و منطقه ای ضروری بنظر می رسد. توجه به آمایش برای اقتصاد ایران فعلی نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت است.

ایران به لحاظ محدوده های جغرافیایی، شرایط اقلیمی، مرزهای آبی و خاکی و ناهمواری های گسترده دارای شرایط متنوعی است؛ بنابراین هر منطقه توانمندی های خاص خود را دارد. مثلاً استانهای تهران، اصفهان، قم و قزوین ظرفیت صنعتی دارند؛ برخی کشاورزی پایه اند مثل آذربایجان غربی، اردبیل، خراسان جنوبی، خراسان شمالی و زنجان، برخی معدنی اند مثل خراسان رضوی، اصفهان و آذربایجان غربی، کرمان، سمنان، یزد و مرکزی و برخی دیگر جنبه های تجاری قوی دارند مثل البرز، بوشهر، خوزستان و هرمزگان. به همین دلیل همه استانهای کشور الزاماً نباید توسعه صنعتی به مفهوم توسعه کارخانه ای داشته باشند، استانهای معدنی می بایست زنجیره معدن و صنایع معدنی توسعه یابد و در استانهایی که کشاورزی پایه اند باید صنایع تبدیلی غذایی رشد کند. به عنوان مثال عمده صنایع استان تهران شامل صنایع تولید محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات با سهم حدوداً ۱۳ درصدی، صنایع تولید ماشین آلات و تجهیزات طبقه بندی نشده در جای دیگر با سهم حدوداً ۱۱ درصدی، تولید محصولات لاستیکی و پلاستیکی با سهم ۱۰ درصدی و صنایع غذایی و آشامیدنی و صنایع تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی با سهم حدوداً ۸ درصدی می باشند.

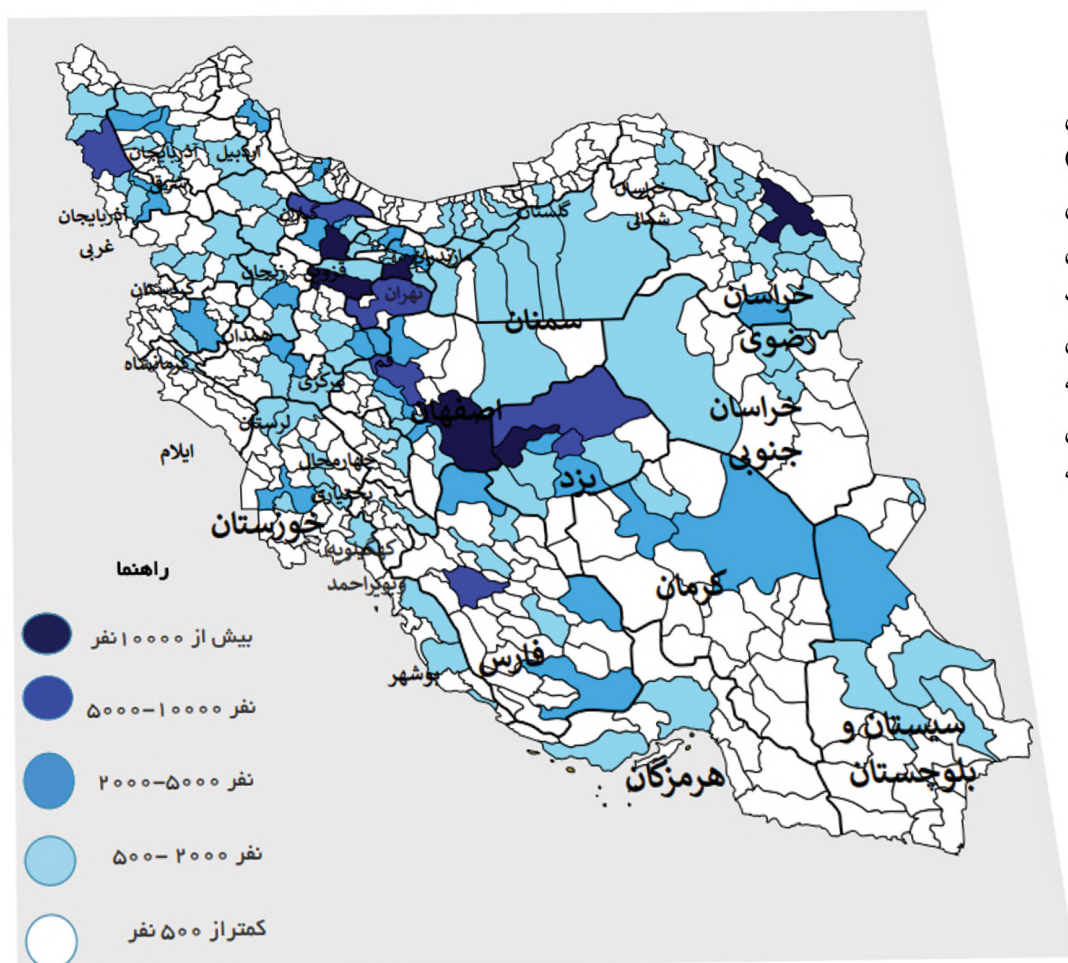
راهبردهای آمایش سرزمین براساس اولویت بندی ها، نقش پذیری و قابلیت سنجی هر یک از مناطق، محصولات مشخص مناسب برای هر منطقه را معین می کند. در ادبیات جغرافیایی ایران، طی ۵۰ سال گذشته مفاهیم، روش ها و اصول جغرافیای انسانی، اغلب به شکلی بدون انسجام مطرح شده و جغرافیای اجتماعی و فرهنگی نیز بسیار جسته و گریخته بیان شده و نه تنها در برنامه ریزیهای کشور، بلکه در فضای آکادمیک کشور نیز جای خالی آن بسیار محسوس است. اکنون با گذشت ۶ برنامه توسعه پس از انقلاب که نگاهی بخشی به توسعه داشته اند، نیاز به برنامه ریزی فضایی و منطقه ای ضروری بنظر می رسد. توجه به آمایش برای اقتصاد ایران فعلی نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت است. در بسیاری کشورهای نیز نیاز به برنامه ریزی فضایی و منطقه ای زمانی احساس شد که رشد و توسعه بخشی موجب عدم توازن در مناطق مختلف شد؛ از اینرو جهت متوازن و متعادل سازی توسعه مناطق مختلف، رویکرد آمایش بسیار راهگشا و کمک کننده است.



شکل ۱. فضای مطلوب استقرار محصولات کانی غیر فلزی



شکل ۲: فضای موجود استقرار محصولاتی غیر فلزی



چالش‌های ناشی از عدم توجه به آمایش

در یک نگاه کلان و راهبردی شاید بتوان این قسمت را اینطور جمع بندی کرد که عدم توجه به آمایش منجر به سه چالش جدی شده است که می تواند ابعاد وسیع تر و جدی تر هم به همراه داشته باشد:

❁ اول تعارض به مفهوم عدم سازگاری در استقرار فعالیتهاست. یعنی استقرار نادرست جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین صورت گیرد مثلاً استانی خدمات یا کشاورزی محور است اما سیاستها حرکت به سمت صنعت را رقم زده است یا بالعکس.

❁ دوم عدم توازن به مفهوم هم‌وزنی بخش‌های مختلف و مناطق مختلف سرزمین متناسب با شاخص‌هایی مانند مساحت و جمعیت است. یعنی نحوهٔ پراکنش و بارگذاری فعالیتها و نیروی انسانی و جمعیت در مناطق مشخص تطابق نداشته باشد مثلاً عدم توازن فعالیت و خدمات پشتیبان مورد نیاز صنایع استقرار یافته در یک استان

❁ سوم عدم تعادل به مفهوم شدت استفاده یا میزان بهره برداری و یا انجام فعالیت در عرصه سرزمین است به گونه ای که تداوم آن موجب ناپایداری و تغییر نامطلوب در نظام فضایی و زیست بوم شود مثلاً بهره برداری بیش از اندازه یا رهاشدگی یک استان خاص کشور.

❁ در شکل ۱ و ۲ وضع مطلوب و موجود استقرار فیزیکی فعالیت صنعتی محصولات کانی غیرفلزی (کد آیسیک ۲۶) نمایش داده شده است. نقاطی که با رنگ پررنگ‌تر نشان داده شده حاکی از آن است که این صنعت در آن بخش بیشتر توسعه یافته است. مقایسه شکل ۱ و ۲ نشان می‌دهد شکاف زیادی بین نقشه مطلوب و موجود وجود دارد؛ بعنوان مثال در برخی مناطق نباید این صنعت توسعه می‌یافته ولی توسعه یافته است در مقابل در برخی مناطق پتانسیل توسعه این صنعت وجود داشته است ولی در عمل توسعه نیافته است (مثل سیستان و بلوچستان).





ظرفیت های سرمایه گذاری صنعتی، معدنی و تجاری شهرستانی با رویکرد آمایش سرزمین



سمیه نعمت الهی (عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

توسعه صنایع در ایران، عموماً بر محور سلايق شخصی کارآفرینان و کارخانه داران، نیازهای شهری و منطقه‌ای، سیاستگذاری‌های بالا به پایین اعلامی، ملاحظات قدرت و متغیرهای بیرونی اتفاق افتاده است. نکته مشترک در میان همه این نگاه‌ها، فقدان نظامی جامع و هدفمند است که ابعاد مختلف را در نظر گرفته و بر آن مبنای توسعه برخی صنایع را تشویق نموده، برخی دیگر را نامرّج دانسته و بعضی را منع کند. از همین رو است که سال‌ها کارشناسان حوزه محیط زیست، ایجاد برخی صنایع آب‌بر در فلات مرکزی ایران را تصمیمی نادرست و در پی دارنده عواقب جبران ناپذیر زیست‌محیطی برای منطقه و کشور می‌دانند.

به همین دلیل، در سال‌های اخیر، توجه به مباحث آمایش سرزمین در دستور کار سیاستگذاران قرار گرفته و در سال ۱۳۹۹، سازمان برنامه و بودجه از سند آمایش سرزمین برای تمامی استان‌ها و شهرهای کشور رونمایی کرد. این سند، دربردارنده ابعاد مختلف آمایش سرزمینی است که یکی از بعدهای کلی آن، مباحث مرتبط با بخش صنعت، معدن و تجارت است. علی‌رغم تدوین اسناد، تبدیل آن به برنامه اجرایی برای هر شهر و استان و مبتنی بر بخش صنعت، کشاورزی یا خدمات، نیازمند تدقیق و ارائه برنامه‌های عملیاتی بوده و لازم است هر یک از وزارتخانه‌های بخشی و زیرمجموعه‌های آن‌ها بر اساس کلیات سند مذکور، شیوه‌های پیاده‌سازی و اجرا نمودن الزامات مرتبط با بخش خود را احصاء نمایند.

براین اساس، یکی از محورهای کلیدی شناسایی ظرفیتهای بالقوه صنعتی، معدنی و تجاری استانی شهرستانی است. به بیان ساده در هر کدام از شهرستانهای کشور کدام ظرفیتهای اصلی در حوزه صنعت، معدن، بازرگانی داخلی و تجارت خارجی وجود دارد که بر مبنای آنها می‌بایست توسعه فعالیتها صورت گیرد. به عنوان نمونه مشخص شده است که هر کدام از شهرستانها در کدام فعالیتهای صنعتی، معدنی، بازرگانی داخلی و تجارت خارجی ظرفیت داشته‌اند. ظرفیتهای بالقوه برای تمام شهرستانهای کشور احصاء شده است. در جدول ظرفیت های توسعه استان سیستان و بلوچستان را ملاحظه می‌کنید:

توسعه صنایع در ایران، عموماً بر محور سلايق شخصی کارآفرینان و کارخانه‌داران، نیازهای شهری و منطقه‌ای، سیاستگذاری‌های بالا به پایین اعلامی، ملاحظات قدرت و متغیرهای بیرونی اتفاق افتاده است. نکته مشترک در میان همه این نگاه‌ها، فقدان نظامی جامع و هدفمند است که ابعاد مختلف را در نظر گرفته و بر آن مبنای توسعه برخی صنایع را تشویق نموده، برخی دیگر را نامرّج دانسته و بعضی را منع کند





شهرستان های مستعد توسعه در استان سیستان و بلوچستان	رشته فعالیت	
چابهار و کنارک	صنایع دریایی (شناورهای دریایی، قطعات و لوازم یدکی، کارخانه تعمیر و اسکرپ کشتی)	صنعت
چابهار و کنارک	صنایع پتروشیمی و پالایشگاهی	
چابهار و کنارک	صنایع فلزات اساسی و محصولات فلزی	
زاهدان، چابهار، ایرانشهر، زابل، دلگان	صنایع شیمیایی، بهداشتی و دارویی	
چابهار، کنارک، ایرانشهر، زاهدان، زابل و زهک	صنایع کشاورزی و ماشین آلات کشاورزی	
زهک، زابل، نیمروز، زاهدان، میرجاوه، ایرانشهر، سراوان، سیب و سوران، سرباز، نیکشهر، چابهار و کنارک	صنایع غذایی	
چابهار، کنارک، سیب و سوران، زاهدان، خاش و ایرانشهر	صنایع کانی های فلزی	
نیمروز، زاهدان، خاش، ایرانشهر، سراوان، سرباز، نیکشهر، چابهار، کنارک، فنوج، دلگان و میرجاوه	صنایع کانی های غیرفلزی	
زاهدان، میرجاوه، خاش و ایرانشهر	بهره برداری معدنی (سنگ مس)	معدن
نیمروز، هامون، زاهدان و میرجاوه	بهره برداری معدنی (آنتیموان)	
زاهدان، نیکشهر، ایرانشهر، خاش، سراوان و سرباز	بهره برداری معدنی (سنگ آهک)	
نیمروز، هامون، زاهدان، خاش، ایرانشهر، دلگان، نیکشهر، سرباز، مهرستان، سیب و سوران، سراوان، چابهار	سایر معادن (پوزولان، کرومیت، گرانیت، منگنز، سنگ آهن، خاک صنعتی، نقره و طلا)	
چابهار به عنوان هاب تجارت و بازرگانی	بندر بین المللی	
بریس و تنگ	بنادر کوچک- چند عملکردی	بازرگانی و خدمات
چابهار، زابل، زهک	مناطق آزاد تجاری	
سراوان، میرجاوه و سرباز	مناطق ویژه اقتصادی	
چابهار، سراوان، سرباز، میرجاوه، زابل، نیمروز و هیرمند	بازارچه های مرزی	
چابهار، ایرانشهر، خاش، زاهدان، زابل، میرجاوه، سراوان، سرباز و نیکشهر	خدمات تخصصی حمل و نقل و انبارداری	
چابهار، کنارک، فنوج، دلگان، قصرقند، بمپور، خاش، ایرانشهر، زاهدان، نیمروز، هامون و زابل	خدمات پشتیبان تجارت و بازرگانی (خدمات مخابراتی، خدمات مالی، بیمه)	





پیامدهای مثبت آمایش صنعتی، معدنی و تجاری



الهام پیروز (استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

طرح های نیمه تمام به حبس منابع مالی و سرمایه و همچنین بعضا ناامیدی مردم در شهرستان های مختلف (بدلیل طولانی شدن فرآیند بهره برداری) مجر شده است. به عنوان مثال در استانهای کشور بالغ بر ۶ هزار طرح نیمه تمام (صنعتی، معدنی و تجاری) بالای ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی وجود دارد که بالغ بر ۲۸۰ هزار شغل مستقیم ایجاد خواهد کرد. به عنوان مثال در استانهای آذربایجان شرقی ۹۷۰،۹۷۰ اردبیل ۲۰۰،۲۰۰ بوشهر ۷۵،۷۵ کهگیلویه و بویراحمد ۱۹۰ و کرمانشاه ۱۶۰ طرح بالای ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی وجود دارد که به بهره برداری رسیدن آنها اشتغالی به ترتیب حدود ۲۶، ۱۰، ۱۴، ۴ و ۶ هزار نفر به همراه خواهد داشت.

جدول تعداد طرح های نیمه تمام بالای ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی

جمع کل (تعداد طرح)	جمع کل (اشتغال-هزارنفر)	
۹۷۲	۲۶,۲۳۰	آذربایجان شرقی
۳۶۲	۱۲,۸۳۵	آذربایجان غربی
۲۰۲	۱۰,۳۰۵	اردبیل
۳۶	۳,۹۶۴	ایلام
۸۵۸	۴۷,۷۱۷	البرز
۷۵	۱۴,۳۱۹	بوشهر
۲۹۱	۱۷,۷۴۶	تهران
۱۸۵	۴,۷۶۷	چهارمحال بختیاری
۹۰	۲,۸۸۶	خراسان شمالی
۵۴۰	۱۷,۳۵۸	خراسان رضوی
۳۶۷	۳۰,۳۷۴	خوزستان
۲۰۲	۹,۶۱۶	سمنان
۴۵۵	۱۰,۸۹۰	قم
۱۹۴	۳,۹۷۱	کهگیلویه و بویراحمد
۱۴۶	۵,۲۴۹	کرمان
۵۱	۲,۶۵۲	جنوب کرمان
۱۶۰	۶,۲۸۱	کرمانشاه
۲۴۳	۵,۱۶۰	گلستان
۲۸۵	۱۰,۳۶۹	گیلان
۳۳۵	۶,۵۰۸	لرستان
۱۳۸	۴,۴۷۹	هرمزگان
۲۸۵	۶,۶۶۱	همدان
۴۷۲,۶	۲۸۶,۷۱۹	جمع کل

در کنار طرحهای نیمه تمام سایر طرحها از جمله واحدهای زیرساختی، طرحهای راکد، طرحهای توسعه، طرحهای ایجاد و توسعه زیرساختها و شهرک های صنعتی نیز مدنظر قرار گرفته است. به عنوان نمونه برای شهرستان خوی در حوزه معدن، استخراج سایر معادن طبقه بندی نشده در جای دیگر (کد آیسیک ۱۴۲۹)، استخراج سنگ شن و ماسه و خاک رس (کد آیسیک ۱۴۱۰) و استخراج کرومیت دانه بندی شده (کد آیسیک ۱۳۲۰) طرحهایی پیشنهاد شده است. در پیشنهاد طرحهای جدید تکمیل زنجیره ارزش استان و شهرستان مولفه بسیار کلیدی است که مدنظر قرار گرفته است.

آمایش سرزمین به معنای بهره برداری بهینه از امکانات در راستای بهبود وضعیت مادی و معنوی و در قلمرو جغرافیایی خاص است، بطوریکه مزیت های فضای طبیعی، اجتماعی و اقتصادی، ساماندهی و نظام بخشی می شود. این کار با هدف ایجاد رابطه منطقی بین توزیع جمعیت و انجام فعالیت ها در پهنه سرزمین با توجه به ویژگی های فضایی مناطق است. در واقع عدم توازن شاخص بیکاری بین مناطق مختلف یکی از مهم ترین دلایل افزایش مهاجرت به کلان شهرها و در نهایت افزایش هزینه ها و مشکلات زندگی در مبداء و مقصد است. بر این اساس نیاز است در هر منطقه متناسب با ظرفیت و پتانسیل منطقه، فعالیت ها برنامه ریزی شود.

یکی از موضوعات مهم بحث آمایش توجه به ملاحظات زیست محیطی است؛ در واقع هدف اساسی آمایش سرزمین حداقل تا آنجا که به مدیریت محیط زیست مربوط می شود توسعه مناطق و روابط متقابل درونی و برونی آنها، استفاده معقول از منابع انسان ساخت و غیر ساخته یا محیط زیست طبیعی و ترمیم و تقویت محیط زیست با استفاده از روش ها و تکنیک های مناسب است.

توجه به برنامه ریزی منطقه ای در ایران نیز همزمان با شروع آن در فرانسه و بعد از جنگ جهانی دوم و تقریباً با اهدافی مشابه آغاز شد. گفتنی است در توجه به تعریف ظرفیت های هر استان شهرستان معیارهایی مانند میزان آبرری صنایع، ملاحظات زیست محیطی و آلایندهی و ... مدنظر قرار گرفته است.

یکی از موضوعات مهم بحث آمایش توجه به ملاحظات زیست محیطی است؛ در واقع هدف اساسی آمایش سرزمین حداقل تا آنجا که به مدیریت محیط زیست مربوط می شود توسعه مناطق و روابط متقابل درونی و برونی آنها، استفاده معقول از منابع انسان ساخت و غیر ساخته یا محیط زیست طبیعی و ترمیم و تقویت محیط زیست با استفاده از روش ها و تکنیک های مناسب است.



آمایش سرزمین و توسعه پایدار

سخنرانی دکتر محمود اولاد در نشست تخصصی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی



در اصل مفهوم آمایش تلفیقی از سه علم مدیریت و اقتصاد، جغرافیا و جامعه‌شناسی است. ریشه بنیادین طرح آمایش سرزمین در برنامه سوم عمرانی کشور (۱۳۴۲ تا ۱۳۴۶) که وجه تمایز آن با برنامه های پیشین جامعیت نگاه برنامه ریزی بوده است و در ادامه در اواخر سال ۱۳۴۵ در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران با عناوین «عمران کشوری» و «آرایش فضای اقتصادی» موضوعاتی در دستور کار قرار گرفت که سپس به سازمان برنامه و بودجه وقت انتقال یافت.

در دو سال گذشته، موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، اقدام به برگزاری مجموعه نشست های تخصصی با موضوع «آمایش سرزمین» کرده است که در هر نشست ابعاد مختلف این موضوع، توسط کارشناسان و صاحب نظران مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. موضوع یکی از این نشست ها به رابطه «آمایش سرزمین و توسعه پایدار صنعتی و منطقه ای» با سخنرانی دکتر محمود اولاد، پژوهشگر اقتصاد، اختصاص یافت.

دکتر اولاد با ذکر مقدمه ای بر در خصوص مفهوم و تجارب داخلی و بین المللی آمایش سرزمین، به تبیین رویکردها در حوزه مفهوم توسعه، توسعه پایدار، رویکرد توسعه انتخابی، در نهایت رهیافت خود در بسط موضوع آمایش سرزمین بر مبنای رویکرد توسعه ارائه نمود. مهمترین نکات مطروحه در سخنرانی ایشان را پی می گیریم.

مفهوم آمایش و پیشینه آن در ایران

مفهوم آمایش سرزمین، ایجاد تعادل بین سه عنصر انسان، فضا و فعالیت تعریف می شود که در اصل مفهوم آمایش تلفیقی از سه علم مدیریت و اقتصاد، جغرافیا و جامعه‌شناسی است. ریشه بنیادین طرح آمایش سرزمین در برنامه سوم عمرانی کشور (۱۳۴۲ تا ۱۳۴۶) که وجه تمایز آن با برنامه های پیشین جامعیت نگاه برنامه ریزی بوده است و در ادامه در اواخر سال ۱۳۴۵ در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران با عناوین «عمران کشوری» و «آرایش فضای اقتصادی» موضوعاتی در دستور کار قرار گرفت که سپس به سازمان برنامه و بودجه وقت انتقال یافت.

در ادامه طی سال های ۱۳۵۳-۵۶، طرح استراتژی درازمدت آمایش سرزمین با محوریت گروه ستیران فرانسه با اهدافی نظیر ایجاد تعادل میان محیط های شهری و روستایی، چگونگی رشد شهری، مدیریت مهاجرت های میان منطقه ای، رشد اقتصادی و رفع نابرابری های اجتماعی، حفظ و بهبود محیط زیست و منابع طبیعی و میراث فرهنگی تدوین شد که باتوجه به پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مطالعات مذکور اجرایی نشد.

در ادامه طی سال های ۶۸-۱۳۶۲، طرح آمایش سرزمین اسلامی ایران تدوین شد. در خصوص خروجی های مطالعات مذکور می توان به تدوین چهارچوب نظری توسعه استان ها با رویکرد توسعه منطقه ای مبتنی بر کاهش درآمد نفتی اشاره نمود؛ اگرچه عدم توافق بر مدل نظری توسعه و فقدان داده های مورد نیاز از عوامل اصلی عدم اجرایی شدن نتایج مطالعات مذکور به حساب می آید در واقع تفاوت نگرش مطالعات دوره ی اول و دوم منجر به جمع آوری حجم عظیمی از داده ها و در نهایت عدم امکان تحلیل و جمع بندی اطلاعات از مهمترین تفاوت های دور جدید مطالعات بود.

دور سوم مطالعات آمایش طی سال های ۸۴-۱۳۷۷ آغاز شد که منجر به تدوین و تصویب سیاست های کلی آمایش سرزمین، امور زیست محیطی و توسعه پایدار، اصول آمایش سرزمین ذیل سیاست های کلی برنامه چهارم توسعه، ضوابط ملی آمایش سرزمین و تعیین جهت گیری ملی آمایش سرزمین و تشکیل مرکز ملی آمایش سرزمین شد.

همچنین دور نهایی مطالعات آمایش سرزمین از اوایل دهه ۸۰ آغاز و در نهایت منجر به تصویب اسناد ملی و استانی آمایش سرزمین طی اواخر سال ۱۳۹۹ شد. با توجه عدم همزمان تدوین اسناد آمایش استانی، سند ملی آمایش سرزمین پس اتمام اسناد تمامی استان ها تدوین و استخراج شد که خود عاملی برای تعارض و نقدها به تقدم و تأخر تدوین آمایش ملی و سرزمین شد. برای حل مشکل تعارضات مقرر شده بود اسناد آمایش استانی برای یک دوره یکساله بصورت آزمایشی تصویب شود و در ادامه سند ملی تدوین و در نهایت طی دوره یک ساله یعنی تا پایان سال ۱۴۰۰، اسناد استانی مورد بازنگری قرار گیرد.

تفاوت آمایش سرزمین و طرح های کالبدی

همچنین لازم به ذکر است تفاوت آمایش سرزمین و طرح های کالبدی به نوع و وسعت مداخله آن ها برمی گردد. در آمایش سرزمین با نگاه اقتصادی تخصیص بهینه فضا، فعالیت و سکونت صورت می گیرد. در طرح های کالبدی، هدف ایجاد زیرساخت باتوجه به تغییرات جامعه است و به دنبال ایجاد تغییر در جامعه نمی باشد. در طرح های کالبدی، دولت به دنبال اتفاقاتی است که رخ می دهند اما در آمایش سرزمین، هدف کنترل تغییرات جامعه می باشد. در طرح کالبدی، نظام ارائه خدمات دولت به جامعه بهینه سازی می شود.

مهم ترین مشکل در تدوین طرح های آمایشی و کالبدی، تدوین آن ها توسط مهندسیین شهرسازی بدون استفاده از جامعه اقتصادی می باشد. در آمایش هدف تخصیص بهینه فضا به فعالیت و سکونت می باشد و در علم اقتصاد، هدف تخصیص بهینه منابع محدود به خواسته های نامحدود است براین اساس رابطه اقتصادی میان علم اقتصاد و آمایش وجود دارد. به دلیل ماهیت اقتصادی آمایش، تفاوت های نگرشی اقتصادی به آمایش هم ورود پیدا کرده است؛ بر این مبنای نگرش اول این است که در طرح آمایش، توسعه باید بدون دخالت دولت و در نگرش دوم به واسطه دخالت های دولتی اتفاق افتد.

در آمایش سرزمین باید به دنبال اصلاحات نهادی به جای اصلاحات منطقه ای بود و در این راستا بر اساس تمایزات نهادی باید پهنه بندی صورت بگیرد. پهنه بندی یعنی باید فضای ناهمگن را به پهنه های نسبتاً همگن از فضا تقسیم کرد؛ مثلاً از نظر کشاورزی باید شناخته شود که کدام پهنه برای کشت چه نوع بذری مناسب است. لازمه پهنه بندی در آمایش این است که مشخص شود صنایع گوناگون قصد انجام چه نوع از فعالیتی را در فضا دارند؟ پس از تدوین طرح و پهنه بندی، باید نظام انگیزشی به صورت دقیق تدوین و معرفی گردد که بر اساس آن افراد و صنایع در راستای طرح آمایشی شکل گرفته عمل کنند.





مفهوم توسعه پایدار

از واژه‌های مهم دیگری که از دهه ۱۹۷۰ وارد ادبیات توسعه شده و حجم قابل توجهی از آن را به خود اختصاص داده، توسعه پایدار (Sustainable Development) است. در آغاز (در حد فاصل دهه ۱۹۴۰-۶۰) تصور بر این بود که رشد و توسعه اقتصادی به یک معنا بوده و با هم مترادفاند و اختلاف این دو در مورد جایگاه کاربرد آنها است. رشد در مورد کشورهای توسعه یافته و توسعه در مورد کشورهای در حال توسعه به کار می‌رود. دیدگاه غالب این بود که رشد اقتصادی به دنبال خود توسعه را به همراه دارد و اگر کشوری بتواند رشد اقتصادی مثلاً ۷ درصد را در یک فرایند بلندمدت طی کند، به توسعه دست می‌یابد. اما پس از این که کشورهای زیادی این میزان رشد را در بلندمدت تجربه کردند، ولی به توسعه دست نیافتند و توزیع درآمد آنها نابسامان تر شد و فقر مطلق، نابرابری و بیکاری افزایش پیدا کرد، در این دیدگاه تجدیدنظر شد و توسعه را به معنای ارتقای مستمر کل جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر و انسانی تر معنا کردند. در واقع بعد از رشد سریع کشورهای پیشرفته کنونی به خصوص بعد از جنگ بین الملل دوم، جهان با دو مشکل پیش‌بینی نشده مواجه شد:

۱. گسترش فقر و نابرابری

۲. تخریب وسیع محیط زیست

اصطلاح توسعه پایدار یا توسعه پایا نخستین بار توسط باربارا وارد در سال ۱۹۷۰ در اعلامیه کوکوپاک درباره محیط زیست و توسعه به کار رفت. UNDP نیز از سال ۱۹۹۰ بر شاخص‌های توسعه انسانی که شامل معیارهای اجتماعی، مانند امید به زندگی، نرخ باسوادی بزرگسالان و سال‌های تحصیل، نرخ مرگ‌ومیر کودکان، آزادی‌های سیاسی، اجتماعی و... علاوه بر درآمد سرانه و قدرت خرید افراد تأکید دارد.

با توجه به موارد مذکور می‌توان گفت، منظور از توسعه پایدار تلاش برای توازن بین رشد اقتصادی و حفظ محیط (از منظر اجتماعی و زیستی) است. اگر چه تعاریف متعددی از این اصطلاح ارائه شده است، گویاترین تعریف عبارت است از «تأمین نیازهای نسل کنونی بدون لطمه زدن به منافع نسل‌های آینده»، ممکن است در نگاه اول به نظر برسد این تعریف بیش از حد روی موضوع اقتصاد متمرکز شده، ولی با تأمل بیشتر می‌توان بسیاری از رویکردهای اجتماعی، مدیریتی و نهادی را به عنوان الزام کلیدی در تحقق این گزاره در نظر گرفت. بر این اساس منهای مباحث اقتصادی، توسعه پایدار بر دو پایه کلیدی زیر متکی است:

۱. ملاحظات اجتماعی و نهادی به‌ویژه تأکید خاص روی رفاه افراد فقیر و امکان بهبود سطح زندگی عامه مردم

۲. ممانعت از وارد آوردن خسارت غیرقابل جبران بر آیندگان

در تحلیل موضوع توسعه پایدار آن بخش از موضوع که قابلیت فضایی شدن دارد، موضوعات زیست‌محیطی (شامل محیط مصنوع و غیر مصنوع) و اقتصادی است. در این زمینه به‌طور خلاصه در حوزه ابعاد طبیعی و محیط زیست دو نگرش در خصوص توسعه پایدار وجود دارد: **الف.** پایداری ضعیف: بر اساس این دیدگاه می‌توان منابع (محیط زیست و ...) کمتری برای آیندگان باقی گذاشت، به شرط آنکه خسارت وارد شده را با افزایش سرمایه‌های فیزیکی جبران کنیم. یعنی فرض می‌شود در منابع تولید سرمایه‌های فیزیکی با سرمایه‌های طبیعی قابلیت جانشینی دارند.

ب. پایداری قوی: بر اساس این دیدگاه، توسعه پایدار باید همراه با حفظ کامل محیط زیست برای آیندگان باشد. زیرا اولاً برخی از ذخایر سرمایه طبیعی که برای بقای بشر ضروری است، غیرقابل جایگزینی با سرمایه مصنوعی است. ثانیاً برخی دیگر برای بقای انسان ضروری نیست، اما برای رفاه بیشتر مورد نیاز است. مثل چشم‌اندازهای طبیعی که به سهولت قابل جایگزینی نیستند.

باتوجه به پایداری ضعیف و پایداری قوی، پنج رویکرد در مورد توسعه پایدار مطرح می‌شود که شامل:

۱. غیر نزولی بودن مطلوبیت در طول زمان (مصرف): یعنی آیندگان حداقل به میزان امروزه جامعه انسانی، مطلوبیت داشته باشند.

۲. غیر نزولی بودن تولید در طول زمان: به این معنا که سطح تولید در طول زمان به دلیل کاهش منابع کم نشود و حداقل در سطح کنونی بماند.

۳. غیر کاهشنده بودن موجودی سرمایه‌های طبیعی: بر اساس این دیدگاه خشک کردن سه دریاچه برای جمع‌آوری آب آن‌ها پشت سد خارج از توسعه پایدار نمی‌باشد.

۴. حفظ محصول حاصل از خدمات منابع طبیعی: یعنی اگر از چوب یا اکسیژن جنگل استفاده می‌شود این محصول هم برای آیندگان ثابت بماند حتی اگر خود جنگل هم از بین برود.

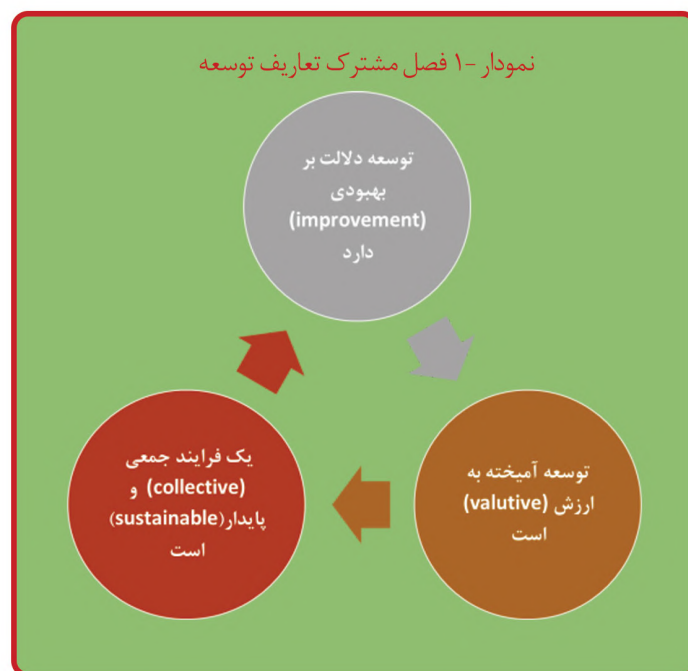
۵. ایجاد شرایط حداقلی برای ثبات اکوسیستم: یعنی اگر بهره‌برداری رها شد سیستم بتواند خود را ترمیم و به نقطه ابتدایی بازگردد. (فرصت تنفس دادن به طبیعت).

بر این مبنا بایستی از محیط زیست حفاظت و نگهداری کرد و استهلاك سرمایه‌های طبیعی نباید از مرز بازگشت‌پذیری، میزان بیشتری باشد.

تحول در مفهوم توسعه

مفهوم توسعه در انگلیسی واژه Development مترادف با ظهور قرار داده شده، که این تعبیر با مفهوم رشد (growth) متفاوت است. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد توسعه به معنای «باز شدن تدریجی»، «باز شدن»، «کامل تر شدن اجزای هر چیز» و در واقع رشد آنچه که در نطفه مکنون است، تعبیر شده است. در واقع توسعه در لغت به معنای رشد تدریجی در راستای پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن است. مفهوم توسعه طی چند دهه اخیر از انحصار دیدگاه‌های رشد اقتصادی خارج شده و به نوعی دیگر هدف توسعه، افزایش مصرف سرانه نیست. عدالت اجتماعی، خوداتکایی و تعادل‌های بوم‌شناسانه از جمله مهم‌ترین دیدگاه‌هایی است که در دهه اخیر با مفهوم نوین توسعه پیوند یافته است.

در واقع باید توجه داشت اقتصاد توسعه، زاینده شرایط تاریخی بعد از جنگ جهانی دوم است که در آن دو اتفاق مهم رخ داد. نخست اینکه بازسازی اقتصادهای ویران‌شده اروپایی در چارچوب اصل مارشال در دستور کار دولت وقت آمریکا قرار گرفت و به این صورت بحث توسعه مجدد اقتصادهای جنگ‌زده مطرح و دنبال شد. دوم اینکه به دنبال موج نخست رهایی کشورهای مستعمره آمریکای لاتین از سیطره دولت‌های استعماری اسپانیا و پرتغال در نیمه نخست قرن بیستم، برخی از کشورهای مستعمره آسیایی و آفریقایی بعد از جنگ جهانی دوم توانستند استقلال ملی خود را جشن بگیرند. به این صورت، با تغییر جغرافیای جهان و تأسیس دولت‌های مستقل جدید بحث توسعه اقتصادی این کشورها نیز موضوعیت پیدا کرد و زمینه برای رویش نظریه‌های موسوم به توسعه فراهم شد. اگرچه تعاریف و نظریه‌های متفاوتی در خصوص توسعه وجود دارد و علی‌رغم اینکه در تعریف توسعه اتفاق نظر کافی وجود ندارد، فصل مشترک تمامی نظریه‌ها شامل سه مفهوم دلالت بر بهبودی، آمیختگی با ارزش‌ها و تأکید بر جمعی بودن و پایدار بودن فرایند توسعه است.



بر این اساس تعاریف مختلف توسعه متضمن سه معنا است:

۱. توسعه آمیخته به ارزش (valutive) است و اهداف توسعه تحت تأثیر نظام ارزشی و ایدئولوژیک جامعه قرار دارد.

۲. توسعه بر بهبودی (improvement) دلالت دارد و یک امر مطلوب تلقی می‌شود.

۳. توسعه یک پدیده جمعی (collective) است و اراده جمعی در ایجاد و تداوم آن ضرورت دارد. ضمن اینکه یک فرایند پایدار (sustainable) است و نسل‌های مختلف را دربر می‌گیرد.

دکتر فقید حسین عظیمی از مجموع نظرهای علمای توسعه، این مفهوم را به معنای بازسازی جامعه بر اساس اندیشه‌ها و بصیرت‌های تازه تعبیر می‌کند. این اندیشه‌ها و بصیرت‌های تازه در دوران مدرن، شامل سه اندیشه «علم‌باوری»، «انسان‌باوری» و «آینده‌باوری» است. به همین منظور برای نیل به توسعه باید، سه اقدام اساسی «درک و هضم اندیشه‌های جدید»، «تشریح و تفصیل این اندیشه‌ها» و «ایجاد نهادهای جدید برای تحقق عملی این اندیشه‌ها» صورت پذیرد. با این تعاریف می‌توان گفت، به‌طور کلی توسعه جریانی است که تجدید سازمان و سمت‌گیری کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد و علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را پوشش می‌دهد، شامل دگرگونی‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی - اداری و همچنین ایستارها و دیدگاه‌های عمومی مردم است. این تعریف پایه‌ای از موضوع توسعه به عنوان مبنای رویکردی در تفکر برنامه‌ریزی آمایشی خواهد بود.



چرایی توجه به دیدگاه توسعه‌ای آمارتیا سن و انتخاب آن از بین سایر دیدگاه‌های نهادگرایی به عنوان الگوی مبنایی در آمایش سرزمین، تأکید بر موضوعی است که می‌تواند علاوه بر تبیین کیفی مبحث توسعه، «راهبردهای فضایی» را نیز (به عنوان اساسی‌ترین وجه برنامه‌ریزی آمایشی) در اختیار قرار دهد. این موضوع در قالب بحث «قابلیت و آزادی انتخاب» در نظریات ایشان نمود داشته است.

آمارتیا سن معتقد است، هدف اساسی اقتصاد توسعه فقط رشد نیست، بلکه بهره‌گیری از این رشد برای افزایش قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انسان برای زندگی ارزشمندتر است و توسعه را زمانی محقق می‌داند که عوامل اساسی ضد آزادی از بین برود. در واقع به تعبیر ایشان، توسعه عبارت است از حذف موانع آزادی انسان که قدرت انتخاب و فرصت اعمال عاملیت فرد را محدود می‌کند و فرصت اندکی برای نقش آفرینی و مختار بودن او به جا می‌گذارد.

آمارتیا سن در تحلیل موضوع فقر بیان می‌دارد: «موضوع قابل توجه در فقر، تحلیل قابلیت‌های فردی به جای تحلیل صرف درآمد است و در واقع فقر به معنای عدم دسترسی به فرصت‌های برابر برای ارائه قابلیت‌ها است.» با این تعبیر فقر ناشی از نابرابری در دسترسی به فرصت‌هایی است که به افراد اجازه رشد و توانایی کارکردی نمی‌دهد. این گونه است که توسعه به مثابه آزادی معنا می‌یابد و رشد اقتصادی لزوماً به کاهش نابرابری نمی‌انجامد. این رویکرد بیان می‌دارد فقط تأکید بر درآمد بعضاً پایین یک منطقه جغرافیایی، نمی‌تواند به عنوان یک متغیر کلیدی در موضوع شناخت فقر و به تبع آن تدوین راهبردهای توسعه محسوب شود و بایستی موضوعی اساسی‌تر و بنیادی‌تر همچون دسترسی به فرصت‌های برابر در ابعاد فعالیت و ... برای بروز قابلیت‌ها در سطح ساکنان این مناطق در مقایسه با دیگر نقاط برخوردارتر (به لحاظ ظرفیت‌های انسانی و طبیعی) به عنوان مسئله اساسی در تعریف فقر لحاظ شود.

بر این اساس می‌توان گفت آمایش سرزمین با استفاده از برخی فنون رابطه بین انسان، فضا (مکان) و فعالیت‌های انسانی را تنظیم کرده و می‌کوشد سرزمین را به طرز هنرمندانه‌ای در راستای دستیابی به توسعه پایدار سازمان‌دهی کند.

همچنین دلایل توجه به مفهوم پایداری بر سه مبنای زیر استوار است:

۱. **نظریه اخلاقی:** نباید به گونه‌ای رفتار شود که نسل‌های آینده را از داشتن فرصت‌های یکسان با نسل کنونی محروم کرد زیرا نسبت به آنها تعهد اخلاقی داریم.

۲. **نظریه اکولوژیکی:** طبق این نظریه تنوع اکولوژیکی به عنوان مسئله مهم در حقوق انسانی باید مورد توجه نسل کنونی باشد، برگشت این نظریه همان نظریه اخلاقی است.

۳. **نظریه اقتصادی:** طبق این نظریه رفتار اقتصادی پایدار نسبت به رفتار غیر پایدار، کارایی بیشتری دارد. منظور از رفتار پایدار، رفتاری است که رفاه اجتماعی بین دوره‌ای را حداکثر می‌کند.

در این زمینه باید توجه داشت توسعه پایدار لزوماً به مفهوم صرفه‌جویی و حفظ منابع نیست و شاید بتوان این رویکرد را فقط یکی از رویکردها به توسعه پایدار در نظر گرفت. در سطور قبل اشاره شد که در تحلیل موضوع توسعه پایدار آن بخش از موضوع که قابلیت فضایی شدن دارد، موضوعات زیست‌محیطی (شامل محیط مصنوع و غیرمصنوع) و محیط اقتصادی است. همچنین بررسی رویکردهای متفاوت به موضوع توسعه پایدار، نشان می‌دهد مفهوم پایداری محیط زیست از انعطاف‌پذیری عملکردی بالایی برخوردار بوده، به گونه‌ای که نمی‌توان صرفاً آنرا در قالب حفظ، نگهداشت و صرفه‌جویی در منابع تعریف کرد. این انعطاف‌پذیری در پیوند با رهیافت‌های فضایی منشعب از نهادگرایی که در ادامه به آن اشاره خواهد شد، بستر جدیدی را برای تدوین برنامه‌های آمایش است.

رهیافت توسعه نهادی به موضوع آمایش سرزمین

بررسی‌های بسیاری حاکی از آن است که الگوی نهادی توسعه با توجه به تنوع رویکردها و انعطاف‌پذیری موجود و همچنین توجه به ظرفیت‌های درونی و تحدید محدودیت‌های جغرافیایی، می‌تواند به عنوان الگوی مناسبی برای هدایت امر توسعه در کشورهای در حال توسعه در نظر گرفته شود. یکی از کاراترین رویکردهای توسعه نهادی در ارتباط با موضوع آمایش سرزمین، دیدگاه آمارتیا سن در این زمینه است. آمارتیا سن در کتاب ارزشمند خود با نام «توسعه به مثابه آزادی» با ارائه دیدگاهی نواز توسعه، توسعه را فرایند گسترش آزادی واقعی که مردم از آن سود می‌برند، می‌داند و این دیدگاه را با دیدگاه‌های محدود از توسعه که توسعه را برابر با رشد تولید ناخالص ملی یا افزایش درآمد یا صنعتی کردن یا پیشرفت تکنولوژیک یا نوسازی اجتماعی قلمداد می‌کند در تضاد و تبیین می‌بیند.

چرایی توجه به دیدگاه توسعه‌ای آمارتیا سن و انتخاب آن از بین سایر دیدگاه‌های نهادگرایی به عنوان الگوی مبنایی در آمایش سرزمین، تأکید بر موضوعی است که می‌تواند علاوه بر تبیین کیفی مبحث توسعه، «راهبردهای فضایی» را نیز (به عنوان اساسی‌ترین وجه برنامه‌ریزی آمایشی) در اختیار قرار دهد. این موضوع در قالب بحث «قابلیت و آزادی انتخاب» در نظریات ایشان نمود داشته است. البته ممکن است در نگاه نخست ارتباط چندانی بین این مقوله و بحث آمایش سرزمین دیده نشود، اما مطالعات و بررسی‌های مشاور نشان می‌دهد، این رویکرد می‌تواند در بحث آمایش سرزمین موضوع «فضا» و محدودیت‌های آن را در پیوند با «انعطاف‌پذیری قابلیت» و «انتخاب‌های حاصل از آن در مناطق متفاوت» تبیین نموده و رهیافت جدیدی را ذیل مبحث الگوی توسعه‌ای آمایش سرزمین در دستور کار قرار دهد.





مجید جلیلی (استادیار موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی)

تحلیل بخش صنعت، معدن و تجارت استان همدان

با ملاحظات آمایشی

۱) بررسی وضعیت موجود در استان

استان همدان با دارا بودن ۱.۲ درصد مساحت (رتبه بیست و سوم) و ۲.۲ درصد از جمعیت کشور (رتبه چهاردهم) از تراکم بالایی جمعیتی حدود ۸۹.۹ نفر در هر کیلومتر مربع برخوردار است. این استان از منظر جغرافیایی بسیار متنوع و از منظر طیف آب و هوایی نیز بسیار متغیر است و براساس آخرین اطلاعات مرکز آمار ایران نرخ رشد جمعیت این استان نیز طی دوره ۱۳۹۰-۹۵ معادل ۰.۲۳ درصد بوده است. سهم این استان از ارزش افزوده کشوری در بخش صنعت حدود ۰.۲ درصد و در بخش معدن ۱.۲۶ درصد بوده است (مجموعاً ۱.۴۶ درصد). از مهمترین زیرساخت های کلیدی در حوزه تولید (صنعتی و معدنی) و تجارت استان همدان می توان به موارد زیر اشاره داشت:

۲۷ ناحیه و شهرک صنعتی با وسعت ۱۷۹۵.۶ هکتار؛

۱۵ انبار و سیلو؛

بیش از ۱۰۰ سردخانه صنعتی؛

۲ گمرک، یک پایانه صادراتی و یک نمایشگاه؛

دسترسی به حمل و نقل ریلی در شهرستان های همدان و ملایر؛

دسترسی به فرودگاه در شهرستان همدان.

از منظر تعداد واحدهای صنعتی، ۶۵.۲ درصد صنایع استان تنها در شش رشته فعالیت صنعتی به شرح زیر قرار دارند. ضمن آنکه ۳۷.۲ درصد از مجموع کارگاه های صنعتی بالای ده نفر کارکن استان نیز در شهرستان همدان استقرار دارند.

تولید فلزات اساسی (۲۷.۹ درصد)؛

تولید محصولات از توتون و تنباکو - سیگار (۱۰.۸ درصد)؛

تولید سایر محصولات کانی غیر فلزی (۷.۹ درصد)؛

تولید ماشین آلات و تجهیزات طبقه بندی نشده در جای دیگر (۶۶ درصد)؛

تولید ماشین آلات اداری و حسابگر و محاسباتی (۶ درصد)؛

تولید محصولات لاستیکی و پلاستیکی (۶ درصد).

با توجه به محدودیت های پیشروی استان در خصوص تامین آب مورد نیاز، توسعه صنایع و معادن در این استان نیازمند توجه جدی و ویژه به این مسئله بسیار کلیدی می باشد.

۲) مزیت های استان همدان با ملاحظات آمایش سرزمین

اهم مزیت های صنعتی، معدنی و تجاری استان همدان براساس ملاحظات آمایش سرزمین در جدول (۱) طبقه بندی شده است:

بخش	کد آیسک ویرایش ۳.۱	عنوان رشته فعالیت	شهرستان و نقاط مستعد
صنعت	۱۵	صنایع مواد غذایی و آشامیدنی	ناحیه شمالی شامل کبودرآهنگ، درگزین، فامنین ناحیه میانی شامل همدان، بهار، اسدآباد ناحیه جنوبی شامل ملایر، نهاوند و تویسرکان
	۱۷	منسوجات	ناحیه شمالی شامل کبودرآهنگ، درگزین، فامنین (قالی و گلیم دستباف) ناحیه میانی شامل همدان، بهار، اسدآباد (قالی و گلیم دستباف) ناحیه جنوبی شامل ملایر، نهاوند و تویسرکان (قالی و گلیم دستباف)
	۱۸	پوشاک	ناحیه شمالی شامل کبودرآهنگ، درگزین، فامنین ناحیه میانی شامل همدان، بهار، اسدآباد ناحیه جنوبی شامل ملایر، نهاوند و تویسرکان
	۱۹	دباغی و عمل آوردن چرم و ساخت کیف	ناحیه میانی شامل همدان، بهار، اسدآباد (چرم)
	۲۰	چوب و محصولات چوبی	ناحیه جنوبی شامل ملایر، نهاوند و تویسرکان (محصولات چوبی)
	۲۳	صنایع تولید زغال کک - پالایشگاه های نفت	ناحیه میانی شامل همدان، بهار، اسدآباد (پالایشگاه)
	۲۴	مواد و محصولات شیمیایی	ناحیه شمالی شامل کبودرآهنگ، درگزین، فامنین (گیاهان دارویی) ناحیه جنوبی شامل ملایر، نهاوند و تویسرکان (داروسازی)
	۲۶	سایر محصولات کانی غیر فلزی	ناحیه شمالی شامل کبودرآهنگ، درگزین، فامنین (سیمان، سنگ های قیمتی و تزئینی)، ناحیه میانی شامل همدان، بهار، اسدآباد (سفال و سرامیک، سنگ های قیمتی و تزئینی)، ناحیه جنوبی شامل ملایر، نهاوند و تویسرکان (سیمان، سنگ های قیمتی و تزئینی)
	۲۷	فلزات اساسی	ناحیه میانی شامل همدان، بهار، اسدآباد (فولاد)
	۲۹	ماشین آلات و تجهیزات طبقه بندی نشده در جای دیگر	ناحیه شمالی شامل کبودرآهنگ، درگزین، فامنین (ماشین آلات کشاورزی) ناحیه میانی شامل همدان، بهار، اسدآباد (ماشین آلات کشاورزی) ناحیه جنوبی شامل ملایر، نهاوند و تویسرکان (ماشین آلات کشاورزی)
	۳۱	ماشین آلات مولد و انتقال برق و دستگاه های برقی	ناحیه شمالی شامل کبودرآهنگ، درگزین، فامنین (استحصال انرژی های نو) ناحیه میانی شامل همدان، بهار، اسدآباد (استحصال انرژی های نو) ناحیه جنوبی شامل ملایر، نهاوند و تویسرکان (استحصال انرژی های نو)
	۳۵	سایر وسایل حمل و نقل	ناحیه شمالی شامل کبودرآهنگ، درگزین، فامنین (صنایع پیشرفته دفاعی و هوافضا)
	۳۶	میلان و مصنوعات طبقه بندی نشده در جای دیگر	ناحیه شمالی شامل کبودرآهنگ، درگزین، فامنین (قاب سازی) ناحیه جنوبی شامل ملایر، نهاوند و تویسرکان (میلان، منبت)
معدن	۱۳	استخراج سنگ های فلزی	ناحیه میانی شامل همدان، بهار، اسدآباد (استخراج سنگ آهن، سرب، روی و منیزیم) ناحیه جنوبی شامل ملایر، نهاوند و تویسرکان (استخراج سنگ آهن، سرب، روی و منیزیم و فروآلیاژها)
	۱۴	استخراج سایر سنگ های معدنی	ناحیه شمالی شامل کبودرآهنگ، درگزین، فامنین (سنگ های تزئینی، آهک)
خدمات	۵۵	هتل و رستوران	ناحیه شمالی شامل کبودرآهنگ، درگزین، فامنین
	۹۲	فعالیت های تفریحی، فرهنگی و ورزشی	ناحیه میانی شامل همدان، بهار، اسدآباد ناحیه جنوبی شامل ملایر، نهاوند و تویسرکان
	۶۰	حمل و نقل و انبارداری و ارتباطات	ناحیه شمالی شامل کبودرآهنگ، درگزین، فامنین (مناطق ویژه اقتصادی و بنادر خشک) ناحیه میانی شامل همدان، بهار، اسدآباد (قطب لجستیک کالای عمومی) ناحیه جنوبی شامل ملایر، نهاوند و تویسرکان (حمل و نقل و ترانزیت)
	۶۵	واسطه گری های مالی به جز بیمه و صندوق های بازنشستگی	ناحیه شمالی شامل کبودرآهنگ، درگزین، فامنین
	۶۶	بیمه و بازنشستگی به جز تامین اجتماعی	ناحیه میانی شامل همدان، بهار، اسدآباد
	۶۷	فعالیت های جنبی واسطه گری مالی (بورس، کارگزاری و ارز)	ناحیه جنوبی شامل ملایر، نهاوند و تویسرکان
	۸۰	آموزش	
	۸۵	بهداشت و مددکاری	

جدول (۱): اهم مزیت های صنعتی، معدنی و تجاری استان همدان



۳) سطح فن آوری صنایع استان همدان

بررسی وضعیت سطح فن آوری صنایع موجود استان همدان نیز نشان می دهد ۴۷.۳ درصد صنایع (بیشترین) در سطح متوسط پایین و ۲.۶ درصد صنایع (کمترین) در سطح فناوری بالا قرار دارند (جدول ۲).

جدول (۲): سطح تکنولوژی صنایع استان همدان

عنوان	تعداد	سهم
فناوری بالا	۴۶	۲.۶
فناوری متوسط بالا	۳۰۸	۱۷.۵
فناوری متوسط پایین	۸۳۴	۴۷.۳
فناوری پایین	۴۴۰	۲۴.۹
نامشخص	۱۳۷	۷.۸
جمع کل	۱۷۶۵	۱۰۰

۴) طرح های اولویت دار استان

بررسی ها نشان می دهد که از مجموع بیش از ۱۷۶۵ طرح نیمه تمام در دست اجرا در استان همدان (۱۵۶۴ طرح-با سهم ۸۸.۶ درصد و پیشرفت کمتر از ۲۰ درصد و ۶۸ طرح-باسهم ۳.۹ درصد و پیشرفت بالای ۸۰ درصد) رشته فعالیت های استخراج سنگ های فلزی (۱۳)، استخراج سایر سنگ های معدنی (۱۴)، صنایع غذایی و آشامیدنی (۱۵)، تولید منسوجات (۱۷)، تولید پوشاک (۱۸)، صنایع شیمیایی و دارویی (۲۴)، تولید سایر محصولات کانی غیرفلزی (۲۶)، تولید ماشین آلات و تجهیزات طبقه بندی نشده در جای دیگر (۲۹)، تولید ماشین آلات و دستگاه های برقی طبقه بندی نشده در جای دیگر (۳۱) و تولید مبلمان و مصنوعات طبقه بندی نشده در جای دیگر (۳۶) در اولویت قرار دارد. خاطر نشان می سازد که طرح های نیمه تمام استان با شاخص های مختلفی طبقه بندی شده است که چنانچه تمامی این طرح ها به بهره برداری برسد بالغ بر ۹.۸ هزار شغل ایجاد خواهد شد:

□ طرح های نیمه تمام بالای ۶۰ درصد پیشرفت شامل ۱۹۰ طرح (با سهم ۹/۳۷ درصد) در کل استان؛

□ ۱۵۵ طرح نیمه تمام اولویت دار بین صفر تا ۵۹ درصد پیشرفت منطبق بر ملاحظات آمایشی؛

□ پیشنهاد طرح ایجاد منطبق بر ملاحظات آمایشی (صنایع چوب و مبلمان، صنایع برق و الکترونیک، ماشین آلات و ادوات کشاورزی، کانی های غیرفلزی «شامل سنگ های تزئینی، ظروف سرامیکی و...»، کاغذ از کربنات کلسیم، تولید انواع پوشاک، تولید انواع دارو، انواع پودرهای صنعتی و معدنی)؛

□ بررسی وضعیت احیاء یا تعطیلی کامل ۵۸ طرح راکد معدنی.

نشریه دیجیتال «بازار نابازار» شامل تازه ترین دیدگاه ها و گزارش های تحلیلی پژوهشگران و کارشناسان موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی در موضوعات تخصصی و روز کشور است و لزوما دیدگاه رسمی و سازمانی این موسسه به حساب نمی آید.

شناسنامه نشریه

مدیر مسئول: دکتر احمد تشکینی

تامین محتوای: فائزه کیائی

گرافیکست و صفحه آرا: ماهورا موسوی

عکاس: امیر محسن باسختا

